

نقد و بررسی برخی پژوهشهای زبانی نیم سده اخیر در باره زبان کردی با تأکید بر گورانی/هورامی

Rexneya hin Lêkolînên Zimannasî yên di Nîvê Sed sala Dawîn de li Ser Zimanê Kurdî bi Taybetî li Ser Goranî/Hewramî

Criticism of Some Linguistic Researches of the Last Half Century
About the Kurdish Language with an Emphasis on Gurani/Horami

Zohreh MOHAMMADI*

MOHAMMADI, Zohreh, (2022),
"Naqd û Barrasî-ye Barxî
Pejûheşhâ-ye Zabânî-ye
Nîm Sada-e Axîr Darbâra-î
Zabân-e Kurdî ba Ta'kid Bar
Goranî/Havrâmî", Nûbihar
Akademî, no. 18, p.199-228, DOI:
10.55253/2022.nubihar.1207843

Genre/Cure: Research Article/
Gotara Lêkolîni

Received/Hatin: 21/11/2022

Published/Weşandin:
31/11/2022

ORCID: 0000-0001-7122-4018

Plagiarism/Întihal: This article
has been reviewed by at least
two referees and scanned via
ithenticate plagiarism website./
Ev gotar herî kêr ji aliye 2
hakeman ve hatiye nixrandin û
di malpera întihalê ithenticate re
hatiye derbaskirin.

چکیده:

در طول قرن گذشته برخی زبان شناسان غربی مانند مکنزی زبان بخشهایی از مردم کردستان مانند کندولهای در شمال غربی کرمانشاه، باجلانی در اطراف سرپل زهاب ، ماچو در قصر شیرین و گرمیان، گویش شبک، صارلی و باجوران در موصل، زازا در برخی استانهای جنوب شرق ترکیه و هورامانی در استانهای کرمانشاه و کردستان را به نام گورانی و مستقل از زبان کردی معرفی کردند. مسأله اصلی این پژوهش آن است که دیدگاه مکنزی و زبان شناسان غربی پیرو او تا چه اندازه بر نویسندگان و زبان شناسان متخصص کرد تأثیر گذاشته است. آیا زبان شناسان کرد همانند بیشتر زبان شناسان غربی و ایرانی دیدگاه او را پذیرفته اند یا به نقد آنها پرداخته اند؟ کدام یک از دیدگاههای مکنزی بیشتر از بقیه دیدگاههای او مورد انتقاد زبان شناسان کرد قرار گرفته است؟ افزون بر این رویکرد زبانشناسان هورامی و ساکنان هورامان در برابر دیدگاههای مکنزی چه بوده است؟. در این پژوهش با مرور برخی پژوهشهای غربی و فارسی مرتبط با

* Al-Zahra University, Faculty of Literature, Department of Linguistics (Master of Linguistics and Researcher of the Center of great Islamic Encyclopaedia), Tehran, IRAN.
mohammadizohreh047@gmail.com ORCID: 0000-0001-7122-4018.

تصریف در هورامی نشان داده شده است که زبان مردم هورامان تفاوت چندانی با دیگر شاخه های کردی ندارد و باورمندان به نظریه مکنزی در میان زبانشناسان کرد اندک بوده و بیشتر آنها گورانی/هورامی را جزوی از خانواده زبانه های کردی دانسته اند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که تقریباً همه زبان شناسان کرد غیر هورامی دیدگاه مکنزی درباره مستقل بودن زبان هورامی، رده بندی آن ذیل گورانی و عدم تعلق آن به زبان کردی را نقد کرده اند. همچنین به استثنای چند نفر اکثریت قریب به اتفاق پژوهشگران زبان شناس هورامان هم نظریه مکنزی مبنی بر غیر کردی بودن هورامی را نقد کرده و با استناد به داده های زبانی و بررسی تطبیقی آنها با دیگر گویشهای کردی نشان داده اند که شباهتهای هورامی به آنها از میزان تفاوتها بیشتر است.

واژگان کلیدی: زبان، کردی، گورانی، هورامی، مکنزی، پژوهش، نقد.

PUXTE:

Di pêvajoya sedsala borî de hin zimanzanên rojavayî yên mîna Mac Kenzie, zimanê hin beşên gelê Kurdistanê wek Kendoleyî li bakurê rojavayê Kirmaşanê; Bacelanî li derdora Serpol-Zohab; Maço li Qesraşîrîn û Germiyan; devokên Şebek, Sarlî û Bacoran li Mûsilê, Zaza li hin parêzgehên başûrê rojhilata Tirkîyê û Hewramanî li parêzgehên Kirmaşan û Kurdistanê (Sinê) wek Goranî û ji zimanê Kurdî cuda û zimanên serbixwe dane destnîşankirin. Mijara sereke ya vê lêkolînê ew e ku derxe holê ka nêrînen Mackenzie û zimanzanên rojavayî yên ku li pey wî hatine, heta çî radeyê bandor li nivîskar û zimanzanên pisporên kurd kiriye. Gelo zimanzanên kurd jî wek piraniya zimanzanên rojavayî û îranî dîtînen wî qebûl kirine yan jî rexne kirine? Kîjan dîtînen Mackenzie ji aliyê zimanzanên kurd ve hatiye rexnekirin? Ji bilî vê yekê, sekn û nêzîkbûna zimanzanên Hewramî û nîctecihên Hewramanê li hember nêrînen Mackenzie çawa bûye? Di vê gotarê de de, bi vekolîna hin xebatên berê yên rojavayî û farisan yên têkildarî şîrovekirina li ser Hewramiyê, derketiye holê ku zimanê Hewramî ji şaxên din ên kurdî ne zêde cuda ye û di nav zimanzanên kurd de kêma bawermendên teoriya Mackenzie hene. Piraniya wan, goranî/hewramî ji malbata zimanzanên kurdî dizanin. Encamên vê lêkolînê nîşan didin ku hema bêje hemû zimanzanên kurdî ne Hewramî, nêrîna Mackenzie ya li ser cudabûn û musteqîlbûna zimanzanên hewramî û tesnîfkirina wê di bin Goranî de û nebûna têkilîya wê ji zimanê kurdî rexne kirine. Herwiha ji bilî çend kesan, piraniya lêkolînerên zimanzanên Hewraman jî teoriya Mackenzie ya ku Hewramî nekurdî ye rexne kirine û bi danasîna daneyên zimannasîyê û berawirdkirina wan bi zaravayên din ên Kurdî re nîşan dane ku wekhevîyên Hewramî bi zaravayên kurdî yên din ji cudahîyên wan zêdetir in.

Peyvên Sereke: ziman, kurdî, goranî, hewramî, Mackenzie, lêkolîn, rexne.

ABSTRACT:

During the past century, some western linguists such as Mackenzie marked the languages of some people of Kurdistan as not Kurdish language and independent languages such as Kandoleh in the northwest of Kermanshah, Bajlani around Sarpol-Zohab, Macho in Qasr-Shirin and Garmian; Shebak, Sarli and Bajoran dialects in Mosul, Zaza in some the southeastern provinces of Turkey and Horamani in the provinces of Kermanshah and Kurdistan (Sine) were introduced as Gurani and. The main issue of this research is to find out to what extent Mackenzie's point of view and the Western linguists following him have influenced Kurdish writers and expert linguists. Have Kurdish linguists, like most western and Iranian linguists, accepted his views or criticized them? Which of Mackenzie's views has been criticized by Kurdish linguists more than his other views? In addition to this, what has been the approach of Horami linguists and Horaman resident towards Mackenzie's views? In this research, by reviewing some Western and Persian researches related to interpretation in Horami, it has been shown that the language of the Horami people is not much different from other Kurdish branches, and there are few believers in Mackenzie's theory among Kurdish linguists, and most of them consider Gorani/Horami to be partial. They accept it of the family of Kurdish languages. The findings of this research show that almost all non-Horami Kurdish linguists have criticized Mackenzie's view on the independence of the Horami language, its classification under Gurani and its non-belonging to the Kurdish language. Also, with the exception of a few people, the vast majority of Horaman linguist researchers have also criticized Mackenzie's theory that Horami is non-Kurdish and by citing linguistic data and comparing them with other Kurdish dialects, they have shown that Horami has more similarities to other dialects of Kurdish than differences from them.

Keywords: Language, Kurdish, Gurani, Horami, Mackenzie, research, criticism.

1. مقدمه

امروز مهم‌ترین حوزه تمرکز زبان کردی هورامی/گورانی در منطقه هورامان است. هورامان محدوده جغرافیایی تقریباً مشخصی است که به سبب تجانس نسبی و وجود ویژگی‌های مشابه طبیعی و انسانی می‌توان آن را ناحیه نامید. این ناحیه در شمال غربی استان کرمانشاه، جنوب غربی استان کردستان در ایران و شرق استان حلبچه در اقلیم کردستان عراق واقع شده و از جهت طبیعی در نقطه آغازین سلسله جبال زاگرس قرار گرفته است. هورامان از شمال به شهرستان مریوان، در جنوب به شهرستان جوانرود، در شرق به شهرستانهای کامیاران و روانسر و در غرب به حلبچه محدود می‌گردد. هورامان از جهت طبیعی در محدوده ای کوهستانی و در امتداد کوه‌های هورامان، شاهو، دالانی، آتشگاه، کوسالان شرام، شنروی و ... قرار دارد و دشتهای شهرزور، روانسر

و چند دشت کوچک دیگر هم اطراف آن را فرا گرفته اند. بنابراین نسبت به مناطق اطرافش مرتفع و مسطوح می باشد (مرادی، 1387: 143-142). به نوشته رزم آرا اورامان کوهستان ممتد و یکپارچه ای است که از هر طرف و هر نقطه آن جز کوههای مرتفع و قله های بلند چیز دیگری مشهود نیست (رزم آرا، 1387: 52). از سوی دیگر می توان هورامان را ناحیه ای میان کوههای شاهو، رود سیروان و کوههای اورامان تخت دانست. کوهستان شاهو با طول 55 کیلومتر و عرض 15 کیلومتر به وسیله رود و دره عمیق سیروان به طول 13900 کیلومتر از کوههای اورامان تخت جدا می شود. (معادی نژاد و احمدی، 1382: 39 و 22) این وضعیت کوه و رود-دره از منتهی الیه اورامان لهن در غرب تا ژاوه رود در شرق را شامل می شود و کوههای سر به فلک کشیده و رودخانه سیروان مرزهای طبیعی هورامان با نواحی پیرامونی مریوان، سنندج، روانسر و شهرزور را که عمدتاً دشت می باشند، شکل می دهند. در این ناحیه مردمانی زندگی می کنند که خود را هورامی / کرد می نامند و از نظر فرهنگ، پوشاک، آداب و رسوم و همه مختصات زندگی شبیه مردمان کرد در اطراف خود هستند؛ اما زبان آنان تا حدود زیادی برای دیگر مردمان کرد متفاوت است. این تفاوتها سبب شده است که برخی زبان شناسان غربی که از بیرون به این جامعه نگاه کرده اند آنان را متفاوت از کرد بدانند و زبانشان را گورانی بخوانند. در این پژوهش با مروری بر برخی کتابها، پایان نامه ها و مقالاتی که درباره ویژگیهای صرفی هورامی به زبانهای انگلیسی و فارسی در طول یک سده گذشته نوشته شده اند، نشان داده شده است که همه آنان که هورامی/گوران را مستقل از کرد پنداشته اند پژوهشگران غیر کرد بوده اند و اکثریت قریب به اتفاق پژوهشگران کرد و هورامان هورامی ها را کرد و زبانشان را جزو خانواده زبانی کردی دانسته اند. البته در سالهای اخیر برخی زبان شناسان هورامی هم تحت تأثیر تحقیقات زبان شناسان غربی و ایرانی ایده جدایی هورامی از کردی را مطرح کرده اند. با وجود این شمار آنان کم است و چنانچه در این پژوهش مشخص شد بیشتر زبان شناسان دانشگاهی کرد و هورامان در تحقیقات خود بر شباهتهای هورامی با دیگر گویشهای کردی متمرکز شده و نتایج تحقیقاتشان حداقل در موضوع تصریف که موضوع مورد مطالعه نگارنده بوده است، تأیید کننده کثرت تشابهات به نسبت تفاوتهاست.

2. پژوهش‌های پژوهشگران غربی درباره گورانی/هورامی

مکنزی¹ (1966)

در 5 فصل به توصیف و بررسی گویش هورامی (گونه‌ی نوسود) می‌پردازد. وی پس از مقدمه‌ای در مورد چگونگی نگارش کتاب و همچنین جغرافیای منطقه‌ی هورامان لهن، بخش دوم را به توصیف و اجناساختی این گویش اختصاص می‌دهد. در بخش سوم که مفصلترین بخش کتاب است، مکنزی به توصیف و بررسی نظام صرف در این گویش می‌پردازد و مباحثی چون تصریف اسم، معرفگی، ساخت اضافه، روابط بخشی و منادا را مطرح می‌کند. سپس ویژگی‌های صفات، عدد، پسوندها و ضمائر را بیان می‌کند. در بخش فعل نیز به رابطه‌ی بین زمانها، دستهبندی ستاکها، پیشوندهای فعلی، پیشوندهای وجه و نفی، وجه وصفی مجهول، افعال سببی و مجهول و افعال مرکب و کمکی را بررسی می‌کند. وی پس از توصیف قید در این گویش نکاتی را در باره‌ی نحو این گویش مطرح می‌کند. مکنزی معتقد به جدایی هورامی از کردی و تعلق آن به خانواده‌ی زبانی مستقلی است که او آن را گورانی می‌نامد.

هولمبرگ² و اودن³ (2004a)

در پژوهش خود به بررسی ساخت کنایی و ویژگی‌های مرتبط با آن در گویش هورامی (گونه‌ی پاوه) می‌پردازند. در این مقاله پس از بررسی ویژگی‌های نحوی زبان هورامی در زمان حال و آینده، ویژگی‌های ساختهای غیرارگتیو و ارگتیو در زمان گذشته بررسی میشوند. هولمبرگ و اودن فعلهای داشتن و خواستن در زمان حال را نیز دارای ساخت ارگتیو میدانند. در پایان، پس از بررسی ساخت آینده‌ی مجهول، ساختهای دومفعولی مجهول را نیز بررسی کرده و ساخت مجهول با مفعول غیرمستقیم را دارای ویژگی کنایی می‌داند. این پژوهشگران هم از نظر فکری دنباله‌رو تفکر مکنزی و قائل به جدایی هورامی از کردی هستند.

هولمبرگ و اودن (2004b: 77-93)

به بررسی تکواژ اضافه در گویش هورامی (گونه‌ی پاوه) و مقوله‌های نقشی مانند معرفگی، شمار، مالکیت و ضمائر اشاره و گروههای اسمی دارای حالت، از دیدگاه کمینه‌گرا می‌پردازند. آنان اشاره می‌کنند که اضافه، تکواژ تصریفی خاص زبانهای ایرانی است که اسمها و گروههای اسمی را که توسط صفات و گروه حرف تعریف توصیف

1 D.N.MacKenzie

2 A.Holmberg

3 D.Odden

میشوند، نشاندار میکند. نقش این تکواژ مشخصسازی هسته از میان مقوله‌های تلفیق شده، با شکستن تقارن بین آنها است. این مشخصی تکواژ اضافه، با تکواژهای رابطه دیگر مشترک است. بنابراین دو تکواژ اضافه در گویش هورامی وجود دارد که یکی از آنها تکواژ رابط صرف است که بر روی صفات، اسمها و گروه‌های اسمی که توسط صفت توصیف میشوند، ظاهر میشود.

هولبرگ و اودن (2008: 129-151)

مقوله‌های کاربردی و ساختاری گروه اسمی در زبان هورامی را با توجه خاص به مطابقی درونی گروه اسمی یا گروه حرف تعریف در گونه‌ی پاهای مورد بررسی قرار میدهند. از نظر هولبرگ و اودن، اضافه در هورامی موضوع مطابقه با شمار، معرفگی و مالکیت است و از سوی دیگر، نوع اضافه روابط ساختاری میان بسیاری از مقوله‌های نقشی و واژگانی موجود در گروه اسمی یا گروه حرف تعریف را مشخص میکند. هولبرگ در مقدمه تأکید میکند که گونه‌های از هورامی که در این مقاله مورد بررسی قرار میگیرد، با گونه‌ی هورامان لهون خصوصاً از نظر وند های مطابقه، متفاوت است.

3. پژوهش‌های پژوهشگران غربی درباره دیگر گونه‌های زبان کردی

نخستین دستور زبان کردی، «دستور زبان و لغات زبان کردی»⁴ است که توسط راهبی ایتالیایی با نام ماوریزیوگارزونی⁶ به منظور تسهیل امکان ارتباط مبلغان مسیحی با کرمانجی‌زبانان شهر موصل در سال 1787 میلادی نوشته شد (مک. کاروس 1958: 3). از آن زمان تا کنون پژوهش‌های بسیاری در مورد زبان کردی توسط غربی‌ها صورت گرفته‌است. البته به نظر میرسد که پژوهش مستقلی تحت عنوان تصریف، مشخصه‌های تصریفی و حتی صرف زبان کردی صورت نگرفته‌است. آنچه در این بخش به آن پرداخته‌میشود، پیشینه‌های است از پژوهش‌های مربوط به نیمه‌ی دوم قرن بیستم به بعد که در زمینه‌ی مطالعات صرفی- نحوی زبان کردی، دارای اهمیت بیشتری است و منبع مطالعاتی بیشتر پژوهشگران مربوط به حوزه‌ی زبان کردی است. همچنین پژوهش‌های پراکنده‌ی دیگری که در حوزه‌ی مورد بررسی این پژوهش صورت گرفته، در این بخش به اختصار ذکر میشود.

4 linker

5 Grammatica e vocabolario della lingua Kurda

6 P.Maurizio Garzoni

مکنزی⁷ (1954: 528-541)

در پژوهش خود با اشاره به اینکه تمایز جنس دستوری در زبان کردی از طرف پژوهشگران اروپایی، هنوز کاملاً پذیرفته نشده، با مقایسه‌ی نمونه‌هایی از کردی شمالی (کرمانجی) با کردی مرکزی مَکری (سورانی) به بررسی چگونگی تظاهر مشخصه‌ی جنس در زبان کردی می‌پردازد. وی نشان می‌دهد که تمایز دو گونه نشانگر حالت فاعلی در این گویش که به سایر گویش‌های شمالی نیز شباهت دارد، نشانه‌ی تمایز جنس دستوری است.

مک‌کاروس⁸ (1958)

در پنج فصل مقدمه، واجشناسی، صرف، ساختار و نحو، به بررسی و توصیف دستور زبان کردی سلیمانیه می‌پردازد. وی در پژوهش خود، به ترتیب پنج طبقه‌ی اسم، صفت، فعل، ضمیر و حرف را برای صورتها⁹ تعریف کرده و ویژگی‌های تصریفی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس در بخش تصریف صفت، ویژگی‌های تصریفی شمار، معرفگی و درجه را برای صفت بر می‌شمارد. از نگاه مک‌کاروس، ویژگی‌های تصریفی ضمیر، شخص و شمار و ویژگی‌های تصریفی فعل، شخص و شمار، نمود، گذرایی، زمان، وجه، جهت و نفی هستند.

مکنزی (1961)

پایه‌ی بررسی مکنزی (1961) دو گویش کردی سلیمانیه و آکری است. وی بر اساس نزدیکی جغرافیایی گروه‌های دیگری از گویش‌های کردی عراق به سلیمانیه و آکره، دو گروه گویش را دسته‌بندی کرده و علاوه بر توصیف آنها به بررسی تفاوت‌هایشان با دو گویش مذکور، پرداخته‌است. گروه اول عبارتند از گویش‌های سلیمانیه، وراماوا، بینگرد، پشدر، مگری، اربیل، رواندز و خوشناو. گروه دوم نیز عبارتند از آکری، آمدی، بارواری ژور، گلی و زاخو. مکنزی بخش اول را به توصیف سیستم واجی گروه اول و سپس گروه دوم اختصاص داده است. در بخش دوم نیز به سیستم صرفی گروه اول و در بخش سوم هم به سیستم صرفی گروه دوم می‌پردازد. بخش پایانی نیز به تفاوت‌های تاریخی واجی و در نتیجه تمایزات صرفی میان این گروه‌ها می‌پردازد که سبب گروه‌بندی آنها در گروه‌های متمایز شده است.

تاد¹⁰ (1985م)

7 D.N. Mackenzie

8 E.N. MacCarus

9 forms

10 Todd

دستور زبان دیمیلی (زازا) را مورد بررسی قرار داده است. کتاب او دارای 3 فصل است: در فصل اول به واج‌شناسی زازا پرداخته است. فصل دوم به تصریف و ساختار واژه در زبان دیمیلی (زازا) اختصاص دارد. در فصل سوم هم ساختار نحوی این زبان بررسی شده است. مطالب پایانی هم شامل چند متن زازا به همراه با ترجمه انگلیسی آنها و واژه‌نامه دیمیلی-انگلیسی است. پس از او پژوهشگران دیگری مانند پاول (1998م)، ویندفور (2009م) و ورنر (2012م) وجوه مختلف صرفی، نحوی و گاه زبان‌شناسی اجتماعی زازاکی را بررسی کرده‌اند. این پژوهشگران و به ویژه پاول که کارهای او درباره زازاکی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است این زبان را مستقل از زبان کردی و جزو زبانهای ایرانی شمال غربی معرفی کرده‌اند.

ویندفور¹¹ (1990: 25-37)

شکله‌ها و استفاده‌های نظامی حالت مختلف را در زبانها و گویشهای ایرانی مورد بررسی قرار می‌دهد. وی دو نظام حالت را که در برخی از گویشهای ایرانی شمال غربی دیده می‌شود، فاعلی و غیرفاعلی میداند. حالت فاعلی در گویشهایی مانند کردی شمالی، سنگسری، بلوچی از یک سو، و دیلمی، سمنانی، گورانی و تاتی از سوی دیگر دارای بازنمودهای متفاوتی است. وی همچنین حالت غیرفاعلی را خاص گویشهایی مانند تاتی، تالشی، سمنانی، دیلمی، گورانی و کردی شمالی میداند. از جمله موارد دیگری که در مورد گویشهای کردی در این پژوهش، آورده شده‌است میتوان به نشانه‌های حالت مفعول مستقیم و غیر مستقیم، ساخت ارگتیو، ساخت مالکیت و اضافه، حالات دیگر مانند حالت مکانی، پسوندهای ضمیری، و نقش پس‌اضافه در اعطای حالت است.

بلو¹² و باراک¹³ (1999)

به توصیف و بررسی دستور زبان کردی کرمانجی می‌پردازند. آنها ابتدا نظام واجی این گویش را بررسی میکنند و سپس به بررسی ویژگیهای اسم، ضمیر، صفت و فعل و اضافه و همینطور ساخت کنایی در زمان گذشته، زمان افعال، اشاره، عدد، گروه حرف اضافه‌های، صورت شرطی، نحوی سوالی‌کردن، صورت التزامی، نحو و واژه‌سازی و در نهایت به ارائه فهرستی از متداولترین افعال ساده و کلمات پرکاربرد، و چند نمونه متن همراه با ترجمه کرمانجی می‌پردازند. از جمله ویژگیهایی که برای اسم برشمرده شده عبارتند از جنس، معرفگی، شمار و حالت ندایی. پژوهشگران در بخشی جداگانه حالت-

11 G.L.Windfuhr

12 J.Blau

13 V.Barak

های فاعلی و غیرفاعلی اسم را در این گویش بررسی میکنند. در مورد فعل نیز، انواع ریشه، پسوندها و پیشوندها و انواع زمان فعل بررسی میشود.

هیگ (2004)

در هشت فصل به بررسی روند تغییرات ویژگیهای صوری جمله در زبان کردی می-پردازد. وی در فصل اول به مقدماتی در مورد تقسیمبندی زبانهای کردی و منشأ این زبان میپردازد. فصل بعد اختصاص به مقدمات نظری دارد. در بخش سوم به برخی مفاهیم نحوی در زمانی، و فصل چهارم به معرفی گروه شمالی زبانهای کردی میپردازد. این فصل، نگاهی اجمالی دارد به سیستم صرفی- نحوی این زبانها از جمله مقولات تصریفی اسم مانند معرفگی، جنس، شمار و حالت و مقولات تصریفی فعل مانند نمود و زمان. همچنین این فصل، ساختهای کنایی کانونی، حالت و ساختهای دارای دو حالت غیرفاعلی و مطابقه را مورد بررسی قرار میدهد. بخش پنجم به توصیف فارسی باستان و ویژگیهای صرفی و نحوی آن و فصل ششم به معرفی ویژگیهای شاخص گویش بادینانی که متمایز از سایر گویشهای شمالی است، اختصاص دارد. در بخش هفتم، گروه مرکزی زبانهای کردی توصیف میشوند و در نهایت نظریات مختلفی که به دنبال یک نگاه منسجم به چگونگی تحول در زمانی ساختهای گذرای گذشته در زبان کردی هستند، مورد بررسی قرار میگیرند.

4. پژوهشهای پژوهشگران کرد به زبان فارسی درباره هورامی

این پژوهشها یا به طور مستقل توسط پژوهشگران کرد صورت گرفته اند و یا توسط آنان و در همکاری با استادانشان که برخی از آنها کرد نیستند، انجام گرفته اند. از آنجا که در شکل دوم هم گردآوری داده ها و کار اصلی توسط پژوهشگر کرد صورت گرفته است همه این پژوهشها در ذیل پژوهشهای پژوهشگران کرد تقسیم بندی شدند

نقشبندی (1382: 94-112)

به توصیف برخی ویژگیهای واجی، صرفی و نحوی در زبان کردی هورامی می-پردازد. وی اسم در این زبان را دارای دو جنس دستوری مذکر و مؤنث معرفی میکند و تمایز دو جنس را منوط به کلمه‌ی وابسته میداند. وی همچنین به معرفی تکواژ نکره و معرفساز در این زبان میپردازد و در بحث فعل، ساختار ارگتیو و مجهول را معرفی کرده و یکی از ویژگیهای هورامی را مطابقه‌ی فعل متعدی در زمان گذشته با مفعول و افزودن شناسه‌ی فاعلی به فعل میداند.

رحیمی(1386)

در کتاب خود، دستور زبان کردی هورامی را توصیف می کند. او در پنج فصل به بررسی سیستم صرفی (کلمه و انواع آن) اعم از فعل، اسم، ضمیر، صفت، قید، صوت، حرف، و انواع آنها می پردازد و در نهایت نحو و نقش کلمات در جمله را بررسی می کند. این پژوهشگر از جمله پیشگامان توصیف دستور زبان هورامی است. اما پژوهش وی فاقد چهارچوب نظری و هر گونه ارجاع به منابع معتبر نحوی و دستوری است. در این پژوهش گونه ی هورامی مشخصی مورد بررسی واقع نشده و نویسنده در مقدمه اظهار می کند که به دلیل وجود نداشتن رویه ای همسان در مناطق مختلف هورامان در صرف افعال و سایر قسمت های دستوری اختلافاتی وجود دارد.

زاهدی(1386)

در پژوهش خود(مضاعف سازی/تکرار در گویش هورامی)، هورامی را گویشی از زبان کردی می داند. او به بررسی فرایند ساختواژی مضاعف سازی(تکرار)¹⁴ در گویش اورامی(هورامی) میپردازد و میکوشد به توصیف چگونگی کاربرد، انواع و مفاهیم این ساخت بپردازد. به عقیده ی وی در کلیه افعال زمانهای ناقص و حال اخباری، مضاعف سازی به صورت تکرار کامل فعل همراه با پیشوندهای نفی-am- و حال اخباری Im-(که به ستاک حال برخی افعال اضافه میشود) و جایگزین کردن شناسه با تکواژ ya- و سپس قرار دادن کلمه ی حاصل قبل از فعل اصلی انجام میگیرد. در نتیجه ی این فرایند یکی از دو مفهوم استمرار و بیان عادت یا تاکید به فعل اضافه میشود. در حالت اخیر، فعل به صورت منفی به کار میرود. از نظر زاهدی ضمیر متصل مفعولی در صورت حضور در جمله، در جایگاه بعد از تکواژ ya- قرار میگیرد.

دانش پژوه(1389)

در پژوهش خود به بررسی و توصیف انگارهای حالت نمایی و مطابقه در زبان کردی بر اساس نظریه ی حاکمیت و مرجع گزینی میپردازد. وی بررسیهای خود را بر روی سه گویش کرمانجی(بادینی)، سورانی و هورامی انجام داده است. دانش پژوه ابتدا به توصیف زبان کردی و گویشها و گونه های مختلف آن، به توضیح ساخت ارگتیو¹⁵ و انواع آن می پردازد(صص 22-28). وی سپس مقوله های صرفی اسم، حالت و فعل را در گویشهای منتخب خود مورد بررسی قرار میدهد. در مبحث اسم، از مقوله های صرفی مورد بررسی میتوان از نشانه ی معرفه و نکره، نشانه ی جمع، نشانه ی اضافه، نشانه ی

14 Reduplication

15 Ergative

ندایی و جنس دستوری نام برد (صص 31-50) دانش پژوه پس از توصیف حالت، به بررسی فعل و جایگاه آن در گویشهای مورد نظر، تعدی، زمانهای فعل و عناصر تشکیل دهنده آن میپردازد. بخش بعد، به بررسی ساختار ارگتیو در گویشهای کردی اختصاص دارد که رابطهی میان ضمایر و ساخت ارگتیو بر اساس حالت و مطابقه، رابطهی میان فعل و موضوع های آن از لحاظ حالت و مطابقه، و حالت نمایی افتراقی در زبان کردی را بررسی کرده است. دانش پژوه در پایان به این نتیجه میرسد که رد پای ارگتیو در تمامی گویشهای مورد بررسی دیده میشود اما با رویکردی تقابلی تحولات ساختاری به لحاظ حالت و مطابقه در این گویشها به چشم میخورد. مثلاً نظام ارگتیو در کردی سورانی هم به لحاظ حالت و هم به لحاظ مطابقه دستخوش تغییر شده است (ص 133). از دیگر نتایج این پژوهش این است که گویشهای مورد نظر از نوع ارگتیو ساختواژی¹⁶ هستند نه نحوی.

این حالت ساختواژی دو نوع است. حالت غیر مستقیم در گویش بادینی مشهود است ولی در گویشهای هورامی و سورانی در حال از بین رفتن است. در زمان گذشته گویش بادینی/کرمانجی به لحاظ حالت ساختواژی منطبق بر ویژگیهای زبانهای ارگتیو است اما در گویشهای سورانی و هورامی حالت نمایی افتراقی¹⁷ وجود دارد (صص 135-137). گونه هورامی مورد بررسی در این پژوهش، گونه پاوهای است. البته مثالهای داده شده از این گونه، در برخی موارد، از دقت و صحت کافی برخوردار نیست.

نقشبندی (1390)

زانیار نقشبندی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود هورامی را گویشی از زبان کردی می داند. او در این پژوهش به بررسی ساخت های کنایی در گویش هورامی می پردازد. گویش هورامی همچون سایر گویش های کردی تنها در ساخت های زمان گذشته ساده از الگوی حالت کنایی گسسته بهره می گیرد. این گویش علاوه بر استفاده از سازو کار مضاعف سازی واژه بست برای نشان دادن حالت کنایی از سازو کار دیگری نیز بهره می گیرد که منحصر به این گویش است و در سایر گویش های کردی مشاهده نمی شود. در ساخت های برآمده از سازو کار دوم بیان الگوی کنایی که در این رساله ساخت کنایی نشاندار خوانده می شود، سازو کارهای فاعل و مفعول مستقیم به ترتیب دستخوش فرایندهای تاکید و مبتدا سازی می شوند. به این ترتیب این ساخت ها نسبت به ساخت هایی که از سازو کار مضاعف سازی واژه بست بهره می گیرند واجد خوانش معنایی نشاندار هستند. این پژوهش ضمن توصیف ویژگی های ساخت های کنایی، با بهره گیری از مفاهیم نظری برنامه کمینه گرا نظیر فرضیه گروه متمم ساز گسسته و فرافکن های بیشینه تاکید

16 Morphological Ergativity

17 Differential Case Marking

و مبتدا، تبیینی صوری از فرایند اشتقاق ساخت های کنایی نشاندار و نیز ترتیب سازه ای الزاما ثابت این ساخت ها به دست دهد. در رویکرد پیشنهادی حرکت گروه های اسمی فاعل و مفعول به جایگاه مشخص گر گروه های تاکید و مبتدا موجب بازبینی و حذف مشخصه های قوی و تغییر ناپذیر حاضر بر روی هسته ی این فرافکن های بیشینه و تبیین ترتیب سازه ای الزاما ثابت در این ساخت ها شود.

نقشبندی، کریمیدوستان (1390)

نقشبندی و کریمی دوستان (1390: 73-100) در پژوهش خود به بررسی ساختهای کنایی در گویش هورامی میپردازند. از نظر ایشان گویش هورامی همچون سایر گویش-های کردی تنها در ساختهای زمان گذشتهی ساده از الگوی حالت کنایی گسسته بهره میگیرد. این گویش علاوه بر استفاده از سازو کار مضاعف سازی واژه بست برای نشان دادن حالت کنایی از سازو کار دیگری نیز بهره میگیرد که منحصر به این گویش است و در سایر گویشهای کردی مشاهده نمیشود. در ساخت های برآمده از سازو کار دوم بیان الگوی کنایی که در این رساله ساخت کنایی نشاندار خوانده میشود، سازه های فاعل و مفعول مستقیم به ترتیب دستخوش فرایندهای تاکید و مبتدا سازی می شوند. به این ترتیب این ساختها نسبت به ساختهایی که از سازو کار مضاعف سازی واژه بست¹⁸ بهره میگیرند واجد خوانش معنایی نشاندار هستند. این پژوهش ضمن توصیف ویژگیهای ساختهای کنایی، با بهره گیری از مفاهیم نظری برنامه کمینه گرا¹⁹ نظیر فرضیه گروه متمم ساز گسسته²⁰ و فرافکنهای بیشینهی تاکید و مبتدا، تبیینی صوری از فرایند اشتقاق ساخت های کنایی نشاندار و نیز ترتیب سازه های الزاما ثابت این ساختها به دست میدهد. در رویکرد پیشنهادی، حرکت گروه های اسمی فاعل و مفعول به جایگاه مشخصگر گروههای تاکید و مبتدا، موجب بازبینی و حذف مشخصه های قوی و تغییر ناپذیر حاضر بر روی هسته ی این فرافکن های بیشینه و تبیین ترتیب سازه های الزاما ثابت در این ساختها میشود

کریمی و نقشبندی (1390: 83-100)

یادگار کریمی و زانیار نقشبندی از استادان کنونی رشته زبان شناسی در دانشگاه کردستان در این پژوهش (ساختهای فعلی استمراری- تأکیدی در گویش هورامی)، هورامی را «به مثابه گونه ای از زبان کردی» در نظر گرفته اند (84). آنان به توصیف و معرفی ساخت فعلی خاصی در گویش هورامی (پاوه ای) میپردازند که از پیوند نحوی افعال مضارع اخباری، ماضی ساده و ماضی استمراری با مصدر ساده این افعال تشکیل میشود. این

18 Clitic Doubling

19 Minimalist Program

20 Split CP Hypothesis

ساخت که به هنگام کاربرد با افعال مضارع اخباری و ماضی استمراری برای بیان نمود استمراری و هنگام کاربرد با افعال ماضی ساده برای تأکید بر عمل به کار می‌روند، ساخت استمراری- تأکیدی نامیده می‌شود. کارکرد بیان نمود استمراری برای این ساخت بی‌نشان- تر است. در این پژوهش، ضمن معرفی داده‌های مربوط به این ساختها، برخی ویژگیهای عمده آنها به لحاظ نحوی و اطلاعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس داده‌های زبانی ارائه و ویژگیهای ساخت مورد نظر توصیف می‌شود. پیامد نحوی تشکیل این ساختها یعنی عدم امکان حضور گروه اسمی مفعولی با استفاده از نظریه صافی حالت²¹ تبیین می‌شود. سپس نظام واژه‌بندی به کار رفته در ساخت‌های مذکور بررسی می‌شود. بخش بعد به فرایند شکل‌گیری این ساختها از منظر ساختار اطلاعاتی²² لمبرکت²³ (1994) می‌پردازد و در نهایت تفاوت میان کارکردهای دوگانه‌ی این ساخت، با توجه به تمایز میان کانونهای تقابلی و کانونهای اطلاعاتی از دیدگاه گیون²⁴ (2000) تبیین می‌شود. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته از گویش هورامی (گونه‌ی نوسودی) یعنی گونه‌ی مورد بررسی این نگارنده از نظر نوع وندهای فعلی و زمان کاربرد این ساخت، تا حدودی متفاوت است.

باقری خوزانی(1390)

در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی تطبیقی ساخت اضافه در زبان فارسی ، گیلکی، بلوچی و گویش کردی هورامی می‌پردازد. از نگاه خوزانی، اضافه بر حسب دو نوع کارکردی که در زبانهای ایرانی دارد، به دو بخش اضافه ملکی و اسنادی تقسیم شده‌است. اضافه‌ی اسنادی در گویش هورامی با برخی مقولات نقشی در گروه اسمی از جمله نشانه جمع، نشانه معرفه، کلمات اشاره و اضافه ملکی مطابقت میکند. براساس برنامه‌ی کمینه‌گرا نحوی مطابقت اضافه‌ی اسنادی با سایر مقولات نقشی در گروه اسمی هورامی، به شیوه‌ی جستجوگر-هدف می‌باشد که پایه و اساس مطابقت در این شیوه مفهوم تسلط سازه‌های عناصر بر یکدیگر است. پژوهشگر به کمک این شیوه، رابطه‌ی سلسله مراتبی مقولات گروه اسمی در هورامی را بررسی کرده و سپس با گروه اسمی فارسی، گیلکی و بلوچی، مقایسه نموده‌است.

صفیعی (1391)

در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی و توصیف نظام حالت در هورامی با استفاده از نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی²⁵ می‌پردازد. او در فصل سوم به تقسیم‌بندیهای

21 Casefilter Theory

22 Information Structure

23 K. Lambrecht

24 Gion

25 government and binding theory

زبان هورامی میپردازد. وی سپس ویژگیهای آوایی، دستوری، تکواژشناختی و نحوی زبان هورامی (گوش پاهای) و در فصل چهارم ویژگیهای نظام حالت در این گویش را مطرح مینماید. صغیعی به عنوان گویشور بومی این زبان نشان می دهد که گروه-های اسمی در زبان هورامی در جایگاه فاعل فاقد تظاهر ساختواژی خاصی که نشان دهندهی جایگاه فاعلی آنها باشد هستند. در حالت مفعولی هم اسمها و هم ضمائر دارای تظاهر ساختواژی معینی هستند که آنها را از همان اسم ها و ضمائر هنگامی که در جایگاه غیر از مفعول هستند جدا میسازد. اسمها در حالت مفعول غیر مستقیم دارای تظاهر ساختواژی هستند که این تظاهر ساختواژی تحت تاثیر عواملی چون مفرد و جمع بودن یا مذکر و مؤنث بودن نیست. در مورد حالت اضافی وضعیت پیچیدهتر می باشد. به گونه ای که تظاهر ساختواژی اسمها و ضمائر در دو نوع ترکیب اضافی موجود در این زبان، متفاوت و گاهی متضاد است. بطور کلی نتایج بدست آمده نشان می دهند که نظریهی حاکمیت و مرجع‌گزینی به خوبی از پس توصیف نظام حالت در زبان هورامی برآمده است.

سلگی (1391)

سلگی (1391) در پایاننامهی کارشناسی ارشد خود دستگاه فعلی گویش هورامی (گونهی هورامان لهون) را به صورت همزمانی و درزمانی-تطبیقی توصیف کرده است. فصل دوم و سوم به فرایند صرف و نحو مقولهی فعل در هورامی اختصاص دارد. در فصل چهارم نیز فهرست مادههای بسیط فعلی هورامی همراه با دادههای ریشه شناختی بررسی شده و صورت ایرانی آغازین این مادهها بازسازی شده است.

نقشبندی (1391: 848-857)

زانبار نقشبندی در این پژوهش نیز همانند دیگر پژوهشهایش هورامی را گویشی از کردی نامیده و پس از توصیف نظامهای حالت مفعولی، کنایی بینشان و کنایی نشاندار درگویش هورامی (گونهی پاهای) و تبیین شرایط بروز تکواژ حالتتمای غیرفاعلی بر روی گروههای اسمی، به بررسی سیرگسترش نقش تکواژ حالتتمای غیر فاعلی میپردازد تا الگوی تلفیق مشخصهی حالت در این گویش را با توجه به طبقه بندی بائرمن²⁶ (2009) مشخص نماید.

راسخ مهند و نقشبندی (a1392)

راسخ مهند و نقش بندی (1392: 1-20) ضمن معرفی و توصیف موارد فاعل‌نمایی²⁷ و مفعول‌نمایی افتراقی²⁸ در گویش هورامی به عنوان یکی از گونه‌های کردی/گورانی، شرایط ظهور این پدیده را در ساختهای کنایی و مفعولی این گویش تبیین میکنند. در این راستا پس از معرفی اجمالی گویش هورامی (گونه‌ی پاهای) و نگاهی گذرا به نظام حالت در این گویش، به بررسی ساختهای مفعولی و کنایی و نیز تعیین میزان حالت‌نمایی افتراقی در این گویش میپردازند. سپس با تکیه بر مفهوم قدرت موضوعات فعلی و نحوی محاسبه‌ی آن در ساختهای مفعولی و کنایی نشان میدهند که تفاوت در میزان قدرت موضوعات فعلی موجب پدید آمدن حالت‌نمایی افتراقی در این گویش میشود. بدین معنا که تنها موضوعات فعلی قوی و برجسته، میزبان پایانه‌ی صرفی حالت‌نما هستند.

راسخ مهند و نقشبندی (b 1392)

آنچه راسخ مهند و نقشبندی (1392: 87-110) در این مقاله مورد بررسی قرار می‌دهند، میزان تأثیرپذیری نظام حالت از ملاحظات کاربردشناختی است. بدین منظور ابتدا رفتار برخی از گرایشهای کلامی نظیر ساخت موضوعی ارجح²⁹، جاننداری مبتدا³⁰، و پیوستگی مبتدا³¹ در ساختهای فاعلی مفعولی³² و ارگتیو مطلق³³ گویش هورامی، به طور جداگانه مطالعه و نحوی تأثیر این گرایشهای کلامی بر تعیین نظام حالت در ساختهای ارگتیو و مفعولی بررسی میشود. پس از معرفی نظام حالت در گویش هورامی، به بررسی دیدگاههای دوبوا³⁴ (1978، 2003) در مورد نقش گرایشهای کلامی در تعیین الگوی حالت پرداخته میشود. سپس به بررسی روایت‌های کلامی برگرفته از فیلم گلابی در گویش هورامی پرداخته و نشان میدهد که گرایش کلامی ساخت موضوعی ارجح را با تفاوتی اندک ولی تعیین‌کننده، هم در ساختهای ارگتیو هم مفعولی میتوان دید. سپس رفتار سایر گرایشهای کلامی در روایت‌های کلامی گویش هورامی سنجیده میشود و در پایان نشان می‌دهد که گرایش کلامی ساخت موضوعی ارجح، عامل اصلی در تعیین نظام حالت ارگتیو در ساختهای گذشته‌ی ساده در گویش هورامی است و الگوی جاننداری مبتدا عامل کلامی تعیین‌کننده‌ی نظام حالت مفعولی در ساختهای غیر ارگتیو به شمار میرود.

27 Differential Subject Marking

28 Differential Object Marking

29 Preferred Argument Structure

30 Animacy of Topic

31 Nominative accusative

32 Ergative Absolutive

33 Topic Continuity

34 Du Bois

دبیر مقدم (1392)

به معرفی و تحلیل تعدادی از زبانهای ایرانی از منظر ردهشناختی میپردازد. زبان اورامی گویش پاهای در فصل نهم این پژوهش با استناد به داده های برخی گویشوران پاره ای از جمله شهرام نقشبندی و محمد عادل ضیایی مورد بررسی قرار گرفته است. (ص 794)

در این فصل، پس از مقدمهای کوتاه درباره زبان اورامی، در دو زیر بخش مولفههای ردهشناختی ترتیب واژهها و وضعیت ردهشناختی گونه مزبور با اتکا به مولفههای ترتیب واژهها، به ردهشناسی ترتیب واژهها پرداخته شده است. از جمله مولفههای ردهشناختی گونه مزبور عبارتند از وجود پساضافه و هم پیشاضافه میشود، توالی هستهی اسمی و بند موصولی، توالی مضاف و مضافالیه، قرار گرفتن صفت هم پیش و هم پس از مبنای مقایسه، قرار گرفتن گروه حرف اضافههای پیش و پس از فعل، قرار گرفتن همیشگی قید حالت قبل از فعل، قرار گرفتن گزاره پیش از فعل اسنادی، قرار گرفتن فعل خواستن قبل از فعل بند پیرو، قرار گرفتن موصوف قبل از صفت، قرار گرفتن صفت اشاره پیش از اسم، قرار گرفتن قید مقدار قبل از صفت، توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود، اختیاری بودن ادات استفهام، قرار گرفتن پیرو نمای بند قیدی قبل از بند، واقع شدن حروف تعریف معرفه و نکره پس از اسم، قرارگیری فاعل پیش از فعل، قرار گرفتن عدد پیش از اسم، واقع شدن دو وند زمان - نمود در صورتبندی زمان گذشته ساده، واقع شدن تکواژ آزاد ملکی پس از اسم، قرار گرفتن فعل کمکی در معنی توانستن پیش از فعل اصلی، عدم وجود متمم نمای معادل «که» در زبان فارسی، قرارگیری پرسشواژه در جای اصلی خود، واقع شدن مفعول صریح گروهی قبل از فعل و مفعول بندی بعد از فعل، و سرانجام تجلی وند منفی ساز به صورت پیشوند (صص 795-830). در بخش بعد نظام مطابقه در زبان اورامی با بررسی ساز و کار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک گذشته و همین طور ساز و کار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک حال و در نهایت با بررسی الگوهای نظام مطابقه در این زبان، نشان داده میشود. سپس نظام حالت در زبان اورامی بررسی و در نهایت با توجه به توصیفات مکنزی (1966) از گویش هورامان لهون به برخی تفاوت ها میان این گویش و گویش پاره ای پرداخته می شود. دبیر مقدم به تبعیت از مکنزی هورامی را گونه ای از زبان مستقل گورانی و جدای از کردی می داند.

یوسفی راد و عباسی (1393)

در مقالهی خود به بررسی سه تکواژ مقید پریسامد «-ænæ-»، «-æræ-» و «-æwæ-» در زبان هورامی (گویش پاره) میپردازند که به انتهای گروه اسمی ملحق شده و معنایی تقریباً مکانی به معنای گروه می افزایند. پژوهشگران برای پاسخ به این سوال که آیا این تکواژها حرف اضافه مستقل هستند یا بخشی از حروف اضافه مرکب یا تکواژ نشان دهندهی حالت، ابتدا

به توصیف و طبقه‌بندی حروف اضافه هورامی می‌پردازند. آنها 52 حرف اضافه را استخراج و طبقه‌بندی می‌کنند. از آنجا که معمولاً حروف اضافه به گره اسمی پس از خود حالت غیر صریح می‌دهند، حالت غیر صریح و نشانه‌های آن را معرفی می‌کنند. پژوهشگران سه فرضیه را مطرح می‌کنند که بر اساس آنها این سه تکواژ یا پس اضافه، یا اجزای تشکیل دهنده حروف اضافه و یا تکواژهای حالت نما هستند. طرح فرضیه اول به دلیل وقوع این تکواژها به تنهایی و بدون همراهی حروف اضافه است. از سوی دیگر تعدادی از این تکواژها با حروف اضافه ترکیب میشوند و حروف اضافی مرکب می‌سازند، و از سویی میتوان این سه تکواژ را بقایای حالت‌های دری، ازی، و بهای نظام حالت ایرانی باستان دانست. سه فرضیه مذکور با جهانی‌های مطرح شده‌ی مرتبط نیز محک زده شدند. در نهایت نتایجی که بتوان یک فرضیه را با قطعیت پذیرفت به دست نیامد. اظهار نظر پایانی نگارنده‌ها این است که احتمالاً این تکواژها بقایایی از یک نظام پس اضافه یا حالت هستند که در گذشته‌ی این زبان حاکم بوده است.

سجادی (1394)

در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی و توصیف مقوله جنس دستوری در زبان هورامی (گوش هورامان تخت) می‌پردازد. شیوه بازنمایی جنس دستوری، نوع مقوله آن، صورت بی‌نشان آن، تعداد جنس‌های دستوری و رابطه جنس دستوری و طبیعی، مواردی هستند که در این پژوهش توصیفی-تحلیلی به آنها پرداخته شده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که مقوله جنس دستوری در این گویش، از طریق آوای پایانی اسم و جایگاه تکیه آن قابل تشخیص است. لذا نظام جنس دستوری در این گویش صوری، یعنی واجی و آشکار است. جنس دستوری مقوله‌ای اسمی-ضمیری، صفتی، حرف تعریفی، فعلی و دو شقی یعنی مذکر و مونث است و صورت بی‌نشان آن مذکر می‌باشد. در مواقعی که جنس طبیعی وجود داشته باشد جنس دستوری با آن مطابقت می‌کند. سجادی این پایان نامه را در سال 1394 به صورت کتاب چاپ کرده است.

امیری (1394)

در پایان نامهی کارشناسی ارشد خود به بررسی مشخصه‌های صرفی-نحوی فعل و اسم در گویش کندولهای از گویش‌های زبان گورانی می‌پردازد. وی داده‌های خود را در دو بخش مشخصه‌های صرفی-نحوی فعل و مشخصه‌های صرفی-نحوی اسم مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. وی مشخصه‌های ذاتی فعل اعم از زمان، وجه، نمود و نفی، مشخصه‌ی مطابقه‌ای مطابقه‌ی شخص و شمار و مشخصه‌ی رابطه‌ای جهت مجهول را برای این گویش برمی‌شمارد که همگی با تکواژهای تصریفی بازنمایی میشوند. از جمله مشخصه‌های صرفی-نحوی اسم نیز که در این گویش بررسی میشوند، مشخصه‌های شمار، معرفگی و حالت میباشند.

-سنندجی(1394)

در پژوهش خود هورامی را از زبانهای باستانی کردی خوانده و در شش فصل به توصیف زبان هورامی (گونه نودشه) پرداخته‌است. فصول اول به مقدمه و واجشناسی این گویش اختصاص دارد. سنندجی در فصل چهارم به ساختواژه و ساخت اسم، جنس دستوری، حالت و شمار و معرفه و نکره، صفت و ضمیر و قید و انواع آنها می‌پردازد. سنندجی چهارده نوع و بیست ساخت زمان را برای افعال این گویش تعریف میکند. البته این پژوهش چهارچوب نظری خاصی ندارد و به نظر میرسد دستهبندیها کاملاً سلیقه‌ای است

نجفیان و عباسی (1395: 72-91)

در پژوهش خود به معرفی و توصیف نظام زمان-وجه-نمود در زبان هورامی(گویش پاهه ای) پرداخته‌اند. این دو در مقدمه ای کوتاه به تعریف زمان-وجه-نمود و موقعیت زبان هورامی و همچنین برخی ویژگی های صرفی و نحوی زبان هورامی مانند جنس دستوری و نظام حالت می‌پردازند. پس از توصیف پیشینه پژوهش، در بخش بعد، پس از طرح مبانی نظری زمان، وجه و نمود به تحلیل داده های پژوهش می‌پردازند. قبل از پرداختن به بحث اصلی، فعل jajb (بودن) را به دلیل مشارکت به صورت واژه بست در مضارع ساده، مضارع التزامی، ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی التزامی ساخت برخی زمان های زبان هورامی، در ده زمان مختلف صرف می‌کند. تجزیه و تحلیل داده ها در پایان نشان می‌دهد که نظام زمان-وجه-نمود در هورامی(گونه پاهه) دارای دو زمان حال و گذشته، پنج نمود تام، ناقص استمراری، ناقص غیر استمراری، کامل و ناکامل و پنج وجه اخباری، اخباری/تاکیدی، التزامی، امری و شرطی/آرزویی است که با هم هفده مقوله مختلف می‌سازند. از هفده برش نظام زمان-وجه-نمود زبان هورامی، چهار مورد در زمان حال و سیزده مورد در زمان گذشته هستند. همچنین یازده زمان گذشته، دارای ساخت کنایی، و دو زمان گذشته و چهار زمان حال دارای ساخت فاعلی-مفعولی هستند

5. پژوهشهای فارسی مربوط به مشخصه‌های صرفی-نحوی در سایر گویشهای کردی

کریمی دوستان و ویسی(1387)

در مقاله خود نشان می‌دهند که ماده مجهول ساز ay- که در ساخت های مجهولی ساختواژی در زبانهای ایرانی باستان به ریشه فعل افزوده می‌شود و ماده مجهول تشکیل می‌دهد، به صورت های āy- و ay- در گویش های کردی سورانی، اردلانی، کلهری، ایلامی و هورامی باقی مانده است .

سهرابی (1388)

در پژوهش خود به استخراج و توصیف وندهای تصریفی در زبان کردی سنندجی میپردازد. وی مشخصه‌های تصریفی اسم، فعل و صفت را در این گویش معرفی کرده و تصریفی بودن آنها را با توجه به معیارهای دوازدهگانه‌ی هسپلمت (2002) به اثبات می‌رساند. سهرابی مقوله‌های تصریفی فعل را شخص، زمان، گذر، جهت، وجه و مطابقه و مشخصه‌های تصریفی اسم را مطابق تقسیم‌بندی قطره (1387)، شمار، معرفگی و جاندار، و مشخصه‌ی تصریفی صفت را درجه می‌داند. سهرابی از رویکرد طیفی پیروی کرده و معیارهای تعیین تصریفی و اشتقاقی بودن وندها را نسبی می‌داند. وی همچنین نظام مطابقه‌ی کردی سنندجی را با فارسی مقایسه کرده و بسامد وقوع وندهای تصریفی را در داستانی کردی بررسی کرده‌است.

کریمی (1388)

در پژوهش خود به بررسی ساخت کنایی بر پایه شواهدی از زبان کردی (سورانی و پاوه ای) می‌پردازد. وی ابتدا نظام ضمیری، الگوی فاعلی مفعولی و ساخت کنایی- مطلق در زبان کردی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. سپس با بررسی در زمانی نظام اسمی، حالت، ترتیب کلمات، وجه، جهت، زمان و نمود به واکاوی ریشه‌های ساخت کنایی در زبان فارسی باستان و میانه می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد که ساخت متعدی گذشته (کنایی) کنونی، از ساختی مشابه ساخت صفت مفعولی در فارسی باستان مشتق شده. وی با استناد به شواهدی شبه کنایی گزاره فعل‌های داشتن و خواستن و مجهول افعال دو مفعولی و شواهدی دیگر از زبان هورامی، استدلال می‌کند که ساخت کنایی خود را در ساخت‌هایی نمایان می‌کند که فعل متعدی، قابلیت اعطای حالت مفعولی به مفعول را نداشته باشد و فاعل توسط یک هسته الحاقی با گروه فعلی ادغام شود. در این تحلیل، گروه اسمی مفعول در حضور فعل متعدی غیر مفعولی، با هسته گروه زمان وارد مطابقه می‌شود و حالت فاعلی می‌گیرد. گروه اسمی فاعل نیز در جایگاه مشخصگر گروه الحاقی، حالت له ای دریافت می‌کند.

رخزادی (1390)

پس از مقدمه ای درباره شاخه‌های مختلف زبان کردی از جمله هورامی در چهار بخش کلی به بررسی و توصیف ویژگی‌های آوایی و دستوری زبان سورانی می‌پردازد. بخش سوم این کتاب مربوط به ویژگی‌های مقوله‌های دستوری اسم و فعل و صفت و قید و ضمیر و همینطور انواع وند در این گویش می‌باشد.

مرادی (1391: 99-116)

در پژوهش خود موضوع عدم با همآیی پیشوند التزامی با پیشوند نفی در گویش کردی سورانی را مورد بررسی قرار میدهد. مبنای نظری این مقاله رویکرد صرف توزیعی³⁵ است. وی ابتدا دو اثری را که به بررسی نفی و وجه در فارسی پرداخته اند، معرفی می-کند. سپس به طرح دلایلی صرفی، معنایی و نحوی میپردازد که طبق آنها تکواژ *æ*- نقش نمایی نمودی است نه نشانه وجه اخباری. علت اهمیت ارائه این دلایل، نقشی است که این پیشوند در تعامل با نفی، در مقابل *eb*- التزامی ایفا میکند.

مردوخ (1391)

در پژوهش خود به بررسی وندهای دخیل در ساختهای فعلی کردی سورانی میپردازد. وی ابتدا شناسه‌های نشانگر شخص و شمار در زبان کردی و سپس مقوله‌ی نمود را به منظور تعیین ترتیب قرار گرفتن وندهای فعلی بررسی میکند و اشاره میکند که در کردی سورانی نمود مستمر در دو ساخت فعل گذشته‌ی استمراری و حال استمراری به چشم می-خورد. وی سپس چگونگی ساخت افعال را در قالب افعال ساده، مرکب و پیشوندی، و به طور اخص ساخت افعال ساده در زمانهای متفاوت را بررسی میکند و نتیجه میگیرد که ساخت زمان حال، گذشته افعال لازم، گذشته افعال متعدی بهجز ساخت گذشته‌ی استمراری، با الگوی مطابقی فعل سازگاری دارد و در ساختهای زمان گذشته، دارای ویژگیهای زبانه‌ی ارگتیو است و در عین حال در زمان حال از ویژگیهای زبانه‌ی فاعلی مفعولی تبعیت میکند.

تفکری رضایی و چوبساز (1392: 55-68)

بر پایه‌ی تعریف انک³⁶ (1991) و کریمی (1999-2003) از مشخصبودگی³⁷، تکواژ «*aga*» را در انتهای برخی اسمهای موجود در جایگاه‌های مختلف نحوی به‌عنوان علامت صرفی مشخصبودگی در کردی کرمانشاهی بررسی میکنند و با استفاده از شواهد و داده-هایی مانند حضور اجباری تکواژ مذکور، نه‌تنها در برخی از گروه‌های اسمی معرفه، بلکه در بعضی از گروه‌های اسمی نکره، نشان میدهند که برخلاف نظر ادmondز³⁸ (1955)، مکنزی (1961)، یارمرادی (1384) و بهادر (1390) این تکواژ در کردی کرمانشاهی نشانگر مشخصبودگی است، نه معرفگی. در پایان، کردی کرمانشاهی را در تقسیمبندی لاینز از زبانه‌ی (1999)، از نظر داشتن علامتهای معرفگی و نکرگی، جزو زبانه‌ی قرار میدهند که تنها نشانه‌ی نکره دارند.

35 distributed morphology

36 M. Enç

37 specificity

38 J.Edmonds

بدخشان و دیگران (1393: 1-28)

به بررسی نظام حالت و مطابقه در دو گونه از کردی سورانی، یعنی بانهای و سنندجی، میپردازند. در این راستا پس از مقدمه‌های در مورد نظام حالت و رویکردهای عمده‌ی حالت بخشی، به معرفی و شرح این دو رویکرد عمده میپردازند. سپس کلیات توصیفی در مورد نظام حالت و مطابقه در دو گونه کردی سنندجی و بانهای را ارائه می‌کنند. نگارندگان در این پژوهش نشان میدهند که رویکرد صرفی به خوبی از عهده تبیین نظام حالت‌دهی گونه‌ی بانهای بر میآید اما نظام حالت‌دهی در گونه‌ی سنندجی، صرفاً در چارچوب یک منظر ساختاری به حالت‌نمایی قابل توجیه است.

بامشادی، و بامشادی (1393: 101-120)

در پژوهش خود با تحلیل ساخت تصریفی بیش از 200 فعل ساده و پرکاربرد کردی گورانی، به بررسی پسوندها و پیشوندهای تصریفی فعل در این گویش از زبان کردی و مقایسه‌ی آن با فارسی معیار پرداخته‌اند. این پژوهشگران یافته‌های خود را در دو دسته‌ی پسوندها و پیشوندهای فعلی دسته‌بندی کرده‌اند. پسوندها خود چهار دسته هستند و عبارتند از شناسهها، پسوندهای فعلی ستاکساز، پسوندهای فعلی نمودساز و پسوند التزامی. در دسته‌بندی ریزتر، پسوندهای ستاکساز شامل پسوندهای ستاک گذشته، مجهول و سببی هستند. پسوندهای نمودساز هم خود به پسوندهای گذشته کامل، گذشته استمراری، گذشته استمراری دور، گذشته استمراری نقلی و حال کامل و پیشوندهای فعلی هم به چهار دسته‌ی پیشوندهای امر، نهی، نفی و التزامی تقسیم میشوند.

راسخ مهند و محمدی راد (1394: 85-118)

به بررسی موارد نشاننداری در تصریف اسم و ضمیر در زبانهای ایرانی نو شمال غربی میپردازند. از میان گویشهای مورد بررسی، سورانی، کرمانجی، هورامی و زازاکی، جزو خانوادگی زبانی کردی هستند. همچنین صرف اسم و ضمیر در زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، فارسی میانه و پارسی نیز بررسی شده‌است. مبنای این تحقیق، اصل کاستن صورتهای هاوکینز³⁹ (2004) و پیشبینی فهرست صرفی و پیشبینی تمایزهای کاهنده⁴⁰، میباشد. بررسی پیشبینی فهرست صرفی در مقوله‌ی ضمیر و اسم زبانها نشان میدهد که تغییرات الگوی شمار، حالت و جنس، منطبق بر تغییرات مجاز در پیشبینی فهرست صرفی بوده‌است. بررسی پیشبینی تمایزهای کاهنده در صرف ضمیر سوم شخص زبانهای مذکور نشان میدهد، در همهی زبانهای مورد بررسی، شمار مفرد

39 J.A.Hawkins

40 Declining Distinction Principle

بینشانتر است. تمایزهای صرفی در همه زبانها بجز فارسی باستان و بلوچی و کرمانجی، در حالت فاعلی، بیشتر از حالت مفعولی و برایی است. در سلسله مراتب جنس نیز جنس مذکر بینشان تراست. همچنین در بررسی پیشبینی تمایزهای کاهنده در صرف اسم در زبانهای مذکور، در همهی زبانها جز ایرانی میانهی غربی تمایزهای صرفی در شمار مفرد یا بیشتر یا برابر با شمار جمع است

ویسیحصار(1394: 101-124)

در پژوهش خود به توصیف نظام زمان دستوری و تبیین ارتباط آن با نمود درکردی موکریانی میپردازد. وی نشان میدهد که کردی موکریانی دارای یک نظام زمانی دوشقی (گذشته و غیرگذشته) است که در ترکیب با مفاهیم وجهنما و نمودنما میتواند ترکیبات زمانی متفاوتی را بسازد. ترکیب این نظام با مفاهیم وجهی، صورتهای متفاوتی از جمله ساختارهای آیندهنما و پسایندی را به وجود میآورد. علاوه بر این در ترکیب نمود و زمان ساختارهای کاملی از جمله کامل نتیجهای، تجربی و متأخر پدید میآیند. وی همچنین نشان میدهد که زمان حال حاوی نمود ناقص و زمان گذشته، بینشانترین زمان برای نمود کامل است.

ویسی حصار(1396)

ویسی حصار(1396: 135-158) در پژوهش خود(نمود درکردی؛ از هستی شناسی تا دستور) به ارائه تحلیلی از نظام نمود در زبان کردی(گوش موکریانی) می پردازد. وی بر پایه نظریه دو بخشی اسمیت(1997) و رویکرد منطقی باز نمود گفتمانی(1993) (pmaK dna elyeR)، برای واکاوی انواع نمود های موقعیتی در گوش مورد نظر پیکره وسیعی از افعال ساده و مرکب را بررسی کرده است. ویسی حصار پنج گونه از نمود های موقعیتی را در این گوش بررسی کرده که هم نشانگر رخداد های بیرونی و هم تابع محاسبات نحوی هستند. نوع ساختار موضوعی و قید های متفاوت زمانی و مکانی، بر ماهیت ترکیبی نمود در جمله تأثیر بسیار دارند.

6. نتیجه گیری

در این پژوهش با مروری بر کتابها، پایان نامه ها و مقالات نوشته شده درباره تصریف در گونه های مختلف زبان کردی، به ویژه هورامی/گورانی مشخص شد که بیشتر پژوهشگران غربی بر تمایز میان هورامی/گورانی از زبان کردی تأکید دارند و آن را زبانی مستقل می دانند. در مقابل، تقریباً اکثریت قریب به اتفاق زبان شناسان کرد و حتی کردهای هورامی به استثنای چند نفر هورامی/گورانی را در رده خانواده زبانی کردی

قرار می‌دهند. نفس این موضوع که به رغم مرجعیت آکادمیک زبان شناسان غربی، پژوهشگران کرد و هورامان که از درون به موضوع زبان نگاه می‌کنند با پژوهش‌های خود به نتایج متفاوتی رسیده‌اند برای نتیجه این پژوهش جالب توجه است.

بررسی تطبیقی ویژگی‌های صرفی هورامی/گورانی با دیگر گویش‌های کردی نشان می‌دهد که با وجود برخی تفاوتها، شباهت‌های بسیار زیادی میان آنها وجود دارد و در سطحی وسیع تر حجم شباهت‌ها بسیار بیشتر از تفاوت‌هاست. به نظر می‌رسد زبان شناسان غربی بیشتر بر تفاوتها تمرکز کرده‌اند و پژوهش‌های خود را نیز بیشتر حول همین تفاوتها سوق داده‌اند. پیشنهاد نگارنده انجام پژوهش‌های تطبیقی بیشتر به ویژه توسط زبان شناسانی است که از نزدیک با گویش‌های مختلف کردی آشنایی دارند و به آنها تکلم می‌کنند.

7. فهرست منابع

- ابراهیم پور، محمدتقی و همکاران (1370). دستور زبان کردی (شمالی-هورامی)، امیری، سحر (1394). بررسی مشخصه‌های صرفی- نحوی فعل و اسم در گویش کندولهای از زبان گورانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- ارانسکی، یوسف میخائیلویچ (1358). مقدمه فقه اللغه ایرانی، تهران: پیام.
- باقری خوزانی، راضیه (1390)، بررسی تطبیقی ساخت اضافه در زبان فارسی، گیلکی، بلوچی و هورامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان
- بامشادی، پارسا و بامشادی، جواد (1393). مقایسه‌ی پسوندها و پیشنندهای تصریفی فعل در کردی گورانی و فارسی معاصر، زبان و زبان‌شناسی، ش 19، صص 101-122.
- بدخشان، ابراهیم و کریمی، یادگار و رنجبر، رزینا (1393). زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ش 11، صص 1-23.
- بلو، ژویس و باراک، ویسی (1999). دستور زبان کردی کرمانجی، ترجمه‌ی علی بلخکانلو (1387)
- بهمن سلطانی، مظفر (1386). تاریخ هورامان، تصحیح نادر کریمیان، تهران: احسان.
- تفکری رضایی، شجاع و چوب ساز، یاسمن (1392). مشخص بودگی در کردی کرمانشاهی، جستارهای زبانی، دورهی 4، شمارهی 4، پیاپی 16، صص 56-68.
- حمه خورشید فواد (1382). پراکندگی جغرافیایی لهجه‌های زبان کردی، فصلنامه

فرهنگ کردستان، سال 5، شماره 16 و 17.

دانشپژوه، فاطمه (1389 چاپ اول). ارگتیو در زبان کردی (کرمانجی (بادینی)، سورانی و هورامی)، تهران: نشر داستان.

دبیرمقدم، محمد (1392)، ردهشناسی زبانهای ایرانی، تهران: سمت.

راسخ مهند، محمد و محمدیراد، مسعود (1394). بررسی سلسلهمراتب نشاننداری در صرف اسم و ضمیر زبانهای ایرانی نو شمال غربی، مجله‌ی زبانشناخت، سال 6، ش 1، صص 118-85.

راسخ مهند، محمد؛ نقشبندی، زانیار (1392)، تأثیر قدرت موضوعات فعلی بر حالت نمایی افتراقی، شواهدی از گویش هورامی، مطالعات زبان و گویشهای غرب ایران، دوره 1، شماره 1، صص 20-1

راسخ مهند، محمد؛ نقشبندی، زانیار (1392)، تأثیر عوامل کلامی بر تعیین نوع الگوی حالت در گویش هورامی، جستارهای زبانی، دوره 4، شماره 4، صص 109-87

رحیمی، فاتح (1386)، دستور زبان کردی (هورامی)، سنندج: مولف

رخزادی، علی (1390 چاپ دوم). آواشناسی و دستور زبان کردی، سنندج: کردستان.

رزم آرا، حاجعلی (1387)، عملیات اورامان، تهران: شیرازه

رضایی باغ بیدی، حسن (1388). تاریخ زبانهای ایرانی، تهران: دائرهالمعارف بزرگ اسلامی.

زاهدی، محمد صدیق (1386)، مضاعف سازی (تکرار) در گویش هورامی، مجله‌ی زبان شناسی، سال 22، شماره اول،

سجادی، سید مهدی (1394 چاپ اول). جنس دستوری در زبان هورامی، نشر نُه‌وین: مریوان.

سلگی، حسین (1391)، دستگاه فعلی گویش هورامی (گونه‌ی هورامان لهون)، پایان-نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

سنندجی، مهدی (1394)، توصیف اجمالی زبان باستانی هورامی (از زبانهای کردی)، مریوان: نُه وین

سهرابی، سارا (1388). بررسی تصریف در گویش سنندجی، پایاننامه‌ی کارشناسی

ارشد، دانشگاه پیام نور کردستان.

شیدا، قاضی عبدالله (1383)، تاریخ سلاطین هورامان، سنندج: پرتو بیان.

صفیعی، پیمان (1391). بررسی نظام حالت در زبان هورامی بر اساس نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی.

عباسی، بیستون و نجفیان، آرزو (1395). نظام زمان-وجه-نمود در گویش هورامی پاره، فصلنامه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی، سال 1، ش 1، صص 72-91.

فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان کردستان شهرستان سنندج جلد 1 تهران 1385.

فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان کردستان شهرستانهای بانه کامیاران و سروآباد تهران 1385.

کریمی، یادگار (1388). ساخت کنایی (منشأ و ماهیت آن)، رساله‌ی دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.

کریمی، یادگار و نقشبندی، زانیار (1390). ساختهای استمراری- تأکیدی در گویش هورامی، پژوهشهای زبانی، سال 2، ش 1، صص 83-100.

کریمیدوستان، غلامحسین؛ کریمی، یادگار؛ میرانی، جبار (1397)، ساختار موضوعی اسامی محمولی متناظر با افعال دومفعولی در کردی هورامی، جستارهای زبانی، ش 44.

کریمی دوستان، غلامحسین؛ ویسی، رحمان (1387)، حفظ یک ماده ساز باستانی در ساخت مجهول در زبان کردی، جستارهای نوین ادبی، شماره 160، 148-137

مرادی، روناک (1391). تعامل پیشوند التزامی با پیشوند نفی در کردی سورانی، پژوهشهای زبانی، دوره‌ی 3، ش 1، صص 116-99.

مرادی، صباح (1387). اهمیت موقع و ویژگیهای جغرافیایی در شکلگیری هورامان، مجموعه مقالات همایش گسترهی فرهنگ هورامان، کرمانشاه: طاق بستان.

مردوخی، هدی (1391). وندها و جایگاهشان در ساختهای واژگانی کردی سورانی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.

معادینژاد، محمدغریب و کیهان احمدی (1382)، جغرافیای هورامان، تهران: احسان.

نقشبندی، زانیار و کریمیدوستان، غلامحسین (1390). ساختهای کنایی در گویش هورامی، جستارهای زبانی، ش 6، صص 100-73.

نقشبندی، زانیار (1390)، ساختهای کنایی در گویش هورامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان

نقشبندی، زانیار (1391)، تلفیق مشخصی حالت در گویش هورامی، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ش 281، صص 848-857.

نقشبندی، شهرام (1382)، برخی ویژگیهای واجی، ساخت واژهای و نحوی گویش هورامی، مجله زبانشناسی، سال 18، شماره 2، صص 112-94.

نقشبندی، شهرام (1375). نظام آوایی گویش هورامی (گونه شهر پاره) از دیدگاه واجشناسی زایشی و واجشناسی جزء مستقل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

نقشبندی، شهرام (1389)، ساخت هجا و محدودیتهای واج آرای در هورامی و فارسی معیار (در واج شناسی زایشی/ پسا زایشی و نظریه بهینگی)، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.

وقایعنگار کردستانی، میرزا علیاکبر. حدیقه ناصری، به اهتمام محمدرئوف توکلی، تهران: توکلی

ویسیحصار، رحمان (1394)، زمان و نمود در کردی موکریانی، مجله مطالعات زبانها و گویشهای غرب ایران، دوره 2، شماره 8، صص 101-124

ویسیحصار، رحمان (1396)، نمود در کردی؛ از هستی شناسی تا دستور، جستارهای زبانی، سال 8، ش 158-135، 3

یوسفی راد، فاطمه، عباسی، بیستون (1393)، سه تکواژ مقید پربسامد «-æna-»، «-æwæ-» و «-æra-» در زبان هورامی (گویش پاره)، مجله مطالعات زبانها و گویشهای غرب ایران، دوره 2، شماره 7، 115-135

7. Referance

- Ebrahimpour, Mohammad Taghi (1370). Dasture Zabane Kurdi (Shomali-Hawrami)
 Amiri, Sahar (2014). Barresi e Moshakhase haye Sarfi-Nahvi e Fe'l va Esm dar Guyeshe Kandule ye Zabane Gurani, Payan name ye Foghe Lisans, Daneshgah e Al-Zahra.

- Oransky, Yousef Mikhailovich (1358). *Moghaddame ye Feghh al Loghah e Irani*, Tehran: Payam.
- Bagheri Khuzani, Raziieh (2018), *Barresi e tatbighi ye Sakhte Ezafe dar Farsi, Gilaki, Balucgi va Hawrami*, Payan Nameh ye Foghe Lisans, Daneshgah e Kordestan
- Bamshadi, Parsa and Bamshadi, Javad (2014). *Moghayese ye Pishvand ha va Pasvand ha ye Tasrifi e Fe'l dar Kurdi e Gorani va Farsi e Mo'aser*, *Zaban va Zabanshenasi*, vol. 19, pp. 101-122."
- Badakhshan, Ebrahim and Karimi, Yadgar and Ranjbar, Rosita (2014). *Halat Nama'i dar Kurdi ye Sorani (Sanandaji va Bane'i)*, *Zaban ha va Guyesh ha ye Khorasan*, Vol. 11, pp. 1-23.
- Blau, Joyce and Barak, Veysi (1999). *Dasture Zabane Kurmanji*, translated by Ali Balkhkanlu (1387)
- Bahman Soltani, Muzaffar (1386). *Tarikhe Hawraman, Virayesh e Nader Karimian*, Tehran: Ehsan
- Tafakkori Reza'i, Shoja and Chubsaz, Yasman (2012). *Moshakhas Budegi dar Kordi ye Kermanshahi, Motale'at e Zabani*, Volume 4, Number 4, Series 16, pp. 56-68.
- Hame Khorshid, Fo'ad (1382). *Parakandegi ye Joghrafia'i e Lahje haye Zaban e Kordi, Faslname ye Farhang e Kordestan*, year 5, No 16 and 17.
- Danesh Pajuh, Fatemeh (1389 first edition). *Ergative dar Zabane Kurdi (Kormanji (Badini), Sorani and Hawrami)*, Tehran: Nashr e Dastan.
- Debirmoghadam, Mohammad (2012), *Rade Shenasi ye Zaban ha ye Irani*, Tehran: Samt.
- Rasakh Mahand, Mohammad and Mohammadi-Rad, Mas'ud (2014). *Barresi e selseleh Marateb e Neshandari dar Sarf e Esm va Zamir e Zaban haye Irani e Nov e Shomal e Gharbi*, *Majale ye Zabanshenakht*, Year 6, Vol. 1, pp. 85-118.
- Rashekh Mahand, Mohammad; Naghshbandi, Zaniar (2012), *Ta'sir e Ghodrate Mozu'ate Fe'li bar Halat Nama'i e Efteraghi, Shavahedi az Zaban e Hawrami*, *Motale'at e Zaban va Guyesh ha ye Gharb e Iran*, Volume 1, Number 1, pp. 1-20 .
- Rashekh Mahand, Mohammad; Naghshbandi, Zaniar (2013), *Ta'sir e Avamel e Kalami bar Ta'in e No'e Olgue ye Halat dar Guyesh e Hawrami*, *Jastar ha ye Zabani*, Volume 4, Number 4, pp. 109-87.
- Rahimi, Fatih (1386), *Dastur e Zaban e Kurdi (Hawrami)*, Sanandaj: Mo'allef.
- Rukhzadi, Ali (2nd edition, 2010). *Avashenasi va Dastur e Zaban e Kurdi*, Sanandaj: Kurdistan.
- Razm Ara, Haj Ali (1387), *Amaliat e Hawraman*, Tehran: Shiraz

- Reza'i Bagh Bidi, Hassan (2008). *Tarikh e Zaban ha ye Irani*, Tehran: Da'erat al Ma'aref Bozorg e Eslami.
- Zahedi, Mohammad Sedigh (1386), *Moza'af Sazi(Tekrar) dar Guyesh e Hawrami*, *Majalle ye Zaban Shenasi*, Year 22, No1.
- Sajjadi, Seyyed Mehdi (1394 *Virayesh e Aval*). *Jens e Dasturi dar Zaban e Hawrami*, published by Avin: Marivan.
- Salagi, Hossein (2013), *Dastgah e Fe'li e Zaban e Hawrami(Gune ye Hawraman e Lohon)*, *Payan nameh ye Karshenasi Arshad, Daneshgah e Bu'ali Sina*, Hamedan.
- Sanandji, Mehdi (2014), *Tosif e Ejmali ye Zaban e Bastani ye Hawrami (Az zaban ha ye Kurdi)*, Marivan: Avin.
- Sohrabi, Sara (2008). *Barressi e Tasrif dar Guyesh e Sanandaji*, *Payan Nameh Karshe-nasi Arshad, Daneshgah e Payam e Nur* .
- Shida, Ghazi Abdullah (2013), *Tarikh e Salatin e Hawraman*, Sanandaj: Parto e Bayan.
- Safi'i, Peyman (2011). *Barresi e Nazam e Halat dar Zaban e Hawrami bar Asas e Nazari-ye ye Hakemiiat va Marja' Gozini*, *Payan Nameh Karshenasi ye arshad, Daneshgah e Razi*.
- Abbasi, Bistun and Najafian, Arezu (2015). *Nezam e Zaman- Vajh- Nemud dar Zaban e Hawrami e Pave , Faslname ye Zabanshenasi e Ejtema'i*, Year 1, No 1, pp. 91-72.
- Farhang e Joghrafia'i e Abadi ha ye Ostan e Kordestan, *Shahrestan e Sanandaj*, volume 1, Tehran, 2015.
- Farhang e Joghrafia'i e Abadi haye Ostan e Kordestan, *Shahrestan ha ye Bane, Kamiyaran va Sarvabad* ,Tehran 1385.
- Karimi, Yadgar (1388). *Sakht e Kona'i(Mansha' va Mahiat e An)*, *Resaleh ye Doctora, Allameh Tabataba'i University*.
- Karimi, Yadgar and Naghshbandi, Zaniar (1390). *Sakht ha ye Estemrari-Ta'kidi dar Zaban e Hawrami*, *Pajuhesh ha ye Zabani*, Year 2, Vol. 1, pp. 83-100.
- Karimi Dustan, Gholamhosein; Karimi, Yadgar; Mirani, Jabar (2017), *Sakhtar e Mozu'i e Asami e Mahmul e Motanazer ba Af'al e do maf'uli dar Kordi e Hawrami*, *Jastar ha ye Zabani*, vol. 44.
- Karimi Dustan, Gholamhosein; weisi, Rahman (2007), *Hefz e Yek Made Saz e Bastani dar Sakhte Majhul dar Zaban e Kordi*, *Jastar ha ye Novin e Adabi*, No. 160, 137-148.
- Moradi, Ronak (1391). *TheTa'amol e Pishvand e Eltezami ba Pishvand e Nafy dar Zaban e Kurdi e Sorani*, *Pajuhesh ha ye Zabani*, Vol 3, Vol 1, pp. 99-116.

- Moradi, Sabah (1387). Ahamiyat e Moghe' va Vijegi ha ye Joghrafia'i dar Sheklgiri ye Horaman, Majmu'e Maghalat e Hamayesh e Gostareye Farhang e Hawraman, Kermanshah: Tagh Bostan.
- Mardukhi, Hoda (2013). Vand ha va Jaygaheshan dar Sakht ha ye Vajegani e Kurdi e Sorani, Daneshgah e Kurdistan.
- Mo'azi-Nejad, Mohammad-Gharib and Kayhan Ahmadi (1382), Joghrafia ye Hawraman, Tehran: Ehsan.
- Naghshbandi, Zaniar and Karimi Dustan, Gholamhossein (2018). Sakht ha ye Kona'i dar Guyesh e Hawrami, Jastar ha ye Zabani, vol. 6, pp. 73-100.
- Naghshbandi, Zaniar (1390), Sakht ha ye Kona'i dar Guyesh e Hawrami, Payan Nameh Karshenasi Arshad, Daneshgah e Kurdistan.
- Naghshbandi, Zaniar (1391), Talfigh e Moshakhase ye Halat dar Guyesh e Hawrami, Majmu'e Maghalat e Daneshgah e Allameh Tabataba'i, Vol. 281, pp. 848-857.
- Naghshbandi, Shahram (1382). Barkhi az Vijegi ha ye Vaji, Sakht Vajeh'i va Nahvi e Guyesh e Hawrami, Majalle ye Zabanshenasi, year 18, No 2, pp. 94-112.
- Naghshbandi, Shahram (1375). Nezam e Ava'i e Guyesh e Hawrami (Gune ye Shahr e Paveh) az Didgah e Vajshenasi e Zayeshi va Vajshenasi ye Joz' e Mostaghel, payan name ye Karshenasi Arshad, Daneshgah e Allameh Tabataba'i.
- Naghshbandi, Shahram (1389). Sakht e Heja va Mahdudiat ha ye Vaj Ara'i dar Hawrami va Farsi e Me'yar (dar Vajshenasi e Zayeshi, Pasazayeshi va Nazariye ye Behinegi), Resale ye Doctora, Daneshgah e Allameh Tabataba'i.
- Vaghaye' Negar e Kordestani, Mirza Ali Akbar. Hadiqeh ye Naseri, Be Ehtemam e Mohammad Ra'uf e Tavakkoli, Tehran: Tavakkoli.
- Weisi-Hesar, Rahman (2014), Zaman va Nemud dar Kurdi e Mukriani, Majalle ye Motale'at e Zaban ha va Guyesh ha ye Gharb e Iran, Vol 2, No 8, pp. 101-124.
- Weisi-Hesar, Rahman (2016), Nemud dar Kurdi, Az Hasti Shenasi ta Dastur, Jastar ha ye Zabani, year 8, No 3, pp.135-158.
- Yousefi Rad, Fatemeh, Abbasi, Bistun (2013), Se Takvaj e Moghayyad e Porbasamad e "-ænae-", "-ærae-" and "-æwæ-" dar Zaban e Hawrami (Guyesh e Pave), Majalle ye Motale'at e Zaban ha va Guyesh ha ye Gharb e Iran, Vol 2, No 7, 115-135.
- Blau, J. & Barak, v. (1999), Manuel de kurde Kurmanji, Paris: l'Harmattan.
- Encyclopædia Iranica: www.iranicaonline.org/articles/dimli <http://www.kurdishacademy.org/sites/default/files/holmberg-odden.pdf>
- Haig, G. (2004), Alignment in Kurdish: A diachronic perspective. Unpublished, Habilitationsschrift. Universität Kiel.

- Holmberg, A & David Odden. (2004a), 'Ergativity and Role-Marking in Hawrami'. Handout from Syntax of the World's Languages 1. Leipzig. Germany. August 5-8.2004.
- Holmberg, A. & Odden, D. (2004b). 'The Izafe and NP structure in Hawrami'. Durham Working Papers in Linguistics, 10,pp.77-94.
- Holmberg,A. & D.Odden. (2008), 'The noun phrase in Hawrami '. In S.Karimi.
- MacCarus , E.N.(1958), A Kurdish Grammar :Descriptive Analysis of The Kurdish of Sulaimanya,Iraq. New York: American Council of Learned Societies.
- McCarus, E. N. (2009). 'Kurdish'. In G.Windfuhr(ed.) The Iranian Languages. pp.587-633.
- MacKenzie, D.N. (1954), 'Gender in Kurdish'. Bulletin of the School of Oriental and African Studies, 16: 528-541.
- Mackenzie,D.N.(1966).The Dialect of awroman(Hawrāmān-i Luhōn): Grammatical Scetch, Texts,and Vocabulary. Kōbenhavn. Kommissionær: Ejnar Munksgaard.
- Vol. XI, Fasc. 4, pp. 401-40 'Gurani', Iranica, Mackenzie. D.N.(2002).
- Mahootian, Sh. (1997), Persian Grammar. London: Taylor & Francis Routledge.
- Matthews, P. H. (1991), Morphology. Cambridge,UK : Cambridge University Press.
- Moseley. Ch. & Nicolas. A.(2010), Atlas of the World's Languages in Danger, Paris : Unesco.
- Paul, Ludwig)1995(, «The Position Of Zazaki Among West Iranian Languages», in Sims-Williams, N.(ed.), Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies held in Cambridge, 11th to 15th September 1995, Part I, Old and Middle Iranian Studies, Wiesbaden: L. Reichert, pp. 163-177 .
- Todd, Terry Lynn)1985(A Grammar of Dimili (also known as Zaza), University of Michigan.
- Taleghani.A.H.(2008), Modality, Aspect and Negation in Persian, Amsterdam: John Benjamins.
- Windfuhr,G.L. (1990). 'Cases, forms, and uses in Iranian Languages and Dialects'. In E.Yarshater(ed.), Encyclopedia Iranica, Mazda Publishers ,Vol.5. (pp. 25-37).
- Woolford. E.(2006), Lexical Case, Inherent Case, and Argument Structure. Linguistic Inquiry, Volume 3, Number 1, 2006, 111-130